

بازخوانی تجربه پیروزی دیپلماتیک ایران در معاهده ارزنه‌الروم که سال ۱۲۲۵ منعقد شد

فنون دیپلماسی موفق در اندیشه امیرکبیر



یکی از جلسات «ارزنه‌الروم» که توسط هوش مصنوعی پارسای شده است

از سوی دیگر، خود میرزاتقی‌خان نیز توانایی‌های ویژه‌ای برای مذاکره داشت که از هر جهت وی را ممتاز می‌کرد. او زبان ترکی استامبولی را می‌دانست و به‌راحتی با نماینده دولت عثمانی به صورت مستقیم و بدون نیاز به مترجم وارد مذاکره می‌شد. امیر اصول

یاری کنند. از سوی دیگر، خود میرزاتقی‌خان نیز توانایی‌های ویژه‌ای برای مذاکره داشت که از هر جهت وی را ممتاز می‌کرد. او زبان ترکی استامبولی را می‌دانست و به‌راحتی با نماینده دولت عثمانی به صورت مستقیم و بدون نیاز به مترجم وارد مذاکره می‌شد. امیر اصول دقیق دیپلماسی را می‌دانست، برآشفته نمی‌شد و با نگاه به هدف، آستانه تحمل خود را در حد بالایی نگه می‌داشت. کلنل ویلیامز، نماینده انگلیس در مذاکرات ضمن گزارش‌های خود به دولت متبوعش به این توانایی‌ها اشاره می‌کند و می‌نویسد: «راجع به وزیر نظام (امیرکبیر بعدی) باید گفت که بسیار سنجیده سخن می‌گفت، موقع‌شناس بود و در مذاکرات شیوه‌ای بسیار ماهرانه داشت. می‌دانست کجا باید دست بالا را بگیرد و کجا کوتاه بیاید، کجا استوار باشد و تندی نماید و کجا باید گذشت کند و نرمی به خرج دهد. پی برده بود در چه اموری ما و روس‌ها با هم سازش و موافقت داریم و در چه موارد سیاستمان همدان نیست. رفتار میرزا تقی‌خان چه در محیط کنفرانس و چه در شهر، بسیار سنگین و متین است، به‌حدی که احترام دوست و دشمن را به خود جلب می‌کند». امیر به‌قدری با ظرایف چنین مذاکراتی آشنا بود که حتی دعوت حاکم ارزنه‌الروم را برای میزبانی از هیئت ایرانی در طول مذاکرات نپذیرفت و با احترام فراوان آن را رد کرد. در همان حال، تا جایی که می‌توانست با نماینده عثمانی به صورت دو نفره و بدون حضور نمایندگان روس و انگلیس صحبت می‌کرد تا بتواند به حصول توافق نزدیک‌تر شود. چنین به نظر می‌رسد که امیرکبیر، تعدد افراد و جناح‌های حاضر در اجلاس را با رسیدن سریع به توافق در تضاد می‌دید، او به دلیل تلاش‌های شبانه‌روزی‌اش به‌شدت بیمار و حتی آثار فلج در دستش ظاهر شد، اما حاضر به ترک مذاکره و کوتاه آمدن نبود.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت هیئت ایرانی در تمام مدت چهارسال حضور در ارزنه‌الروم، هیچ‌گاه حزم و احتیاط را از دست نداد و موجب به هم ریختن جلسه‌ها نشد، اما این به معنای سکوت مطلق در برابر خواسته‌های ناقح نبود و در مواقع لزوم، این صدای هیئت ایرانی بود که با رعایت کامل ادب و اصول دیپلماتیک، بالا می‌رفت و درنهایت با اتکا به ادله موثق، ادعاهای ایران را ثابت می‌کرد. معاهده ارزنه‌الروم، یک نمونه بسیار عالی از الگوی دیپلماسی ایرانی است که اتفاقاً در برهه‌ای بسیار مشوش از تاریخ ایران به ثمر نشست و دستاوردهای آن برای سال‌ها باقی ماند.

هیئت ایرانی در تمام مدت چهارسال حضور در ارزنه‌الروم، هیچ‌گاه حزم و احتیاط را از دست نداد و موجب به هم ریختن جلسه‌ها نشد، اما این به معنای سکوت مطلق در برابر خواسته‌های ناقح نبود و در مواقع لزوم، این صدای هیئت ایرانی بود که با رعایت کامل ادب و اصول دیپلماتیک، بالا می‌رفت و درنهایت با اتکا به ادله موثق، ادعاهای ایران را ثابت می‌کرد

نشده بود. این مسئله بهانه‌ای شد تا در دوره محمدشاه قاجار دوباره نزاع مرزی بالا بگیرد و جدال آغاز شود. البته آغاز درگیری، بی‌ارتباط با تحریک انگلیسی‌ها نبود. در آن زمان، ایران برای پس گرفتن هرات تلاش می‌کرد و این شهر در محاصره نیروهای ایرانی بود. انگلیسی‌ها برای زیر فشار قرار دادن دولت ایران، خارک را اشغال کرده‌بودند و نقششان در درگیری‌های مرزی با عثمانی هم بر دولتمردان ایرانی پوشیده نبود. اما در همین گیرودار، سلطان محمود دوم (سلطان عثمانی) درگذشت و در دربار محمدشاه، موضوع تصرف بغداد و گوشمالی عثمانی‌ها به صورت جدی مطرح شد. با این حال، «صارم‌افندی» نماینده دولت عثمانی به ایران آمد و تهران را به قبول غرامت راضی کرد و قرار شد طرفین دوباره در ارزنه‌الروم درباره یک معاهده کامل و جامع گفت‌وگو کنند.

دور دوم مذاکرات

ریاست هیئت ایرانی در این نشست را یک دولتمرد کارکنده و باتجربه برعهده داشت: میرزاتقی‌خان فراهانی که بعدها به امیرکبیر مشهور شد. او پیش از این نشست، در دوره فتحعلی‌شاه قاجار و در هیئتی به ریاست شاهزاده خسرومیرزا به سن پترزبورگ فرستاده شده و از عهده مأموریت خود به‌خوبی برآمده‌بود. میرزاتقی‌خان از دست‌پروردگان قائم‌مقام فراهانی بود و صدراعظم محمدشاه به‌خوبی از استعداد این شاگرد توانمند آگاهی داشت. امیرکبیر افزون بر تجارب دیوانی در ایران، با زبان دیپلماسی بین‌المللی کاملاً آشنا بود. او در جلسات دور نخست معاهده ارزنه‌الروم نیز شرکت داشت. وی با تیزهوشی، شیوه‌های گفت‌وگو را در الگوی جدید دیپلماسی، ضمن سفرهای سیاسی‌اش فرا گرفته‌بود. به این ترتیب، نشست معاهده ارزنه‌الروم از ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۵۹ آغاز شد و تا ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ قمری به طول انجامید؛ چیزی در حدود چهار سال. در انتهای این نشست‌ها، سرانجام معاهده‌ای بسته شد که بر اساس آن، ایران به بخش بسیار مهمی از خواسته‌های خود رسید و حاکمیتش به‌ویژه در منطقه «کرنه» و «خرمشهر» تثبیت شد. از آنجا که پرداختن به جزئیات این مذاکرات، بیرون از حوصله نوشتار حاضر است، تلاش می‌کنیم به اختصار رویکرد و رفتار طرفین مذاکره را به عنوان حاضران در یک نشست دیپلماتیک راهبردی، مورد ارزیابی قرار دهیم.

نخست؛ شرایط حاکم بر مذاکرات

دولت عثمانی از وضعیت ایران پس از ماجرای هرات و اثرات ناشی از شکست ایران آگاه بود. آن‌ها کمی پیش از آغاز مذاکرات و برای زیر فشار قرار دادن نمایندگان دولت ایران، فرمان حمله به کربلا و قتل‌عام زائران ایرانی را صادر کردند. ۲۲هزار نفر در این هجوم کشته شدند. این فشارها حتی پس از شروع مذاکرات هم ادامه داشت. گزارش‌های مکرری از هجمه به سرحدات ایران در منطقه خوی و کرمانشاه به تهران و ارزنه‌الروم ارسال می‌شد. به نظر می‌رسید انگلیسی‌ها نقش مهمی در این رویکرد داشته‌اند؛ هرچند در ظاهر به دنبال کم کردن خصومت‌ها و تنش میان دو کشور بودند. از طرفی دولت عثمانی با نگاهی از بالا به پایین، وارد مذاکرات شده‌بود. آن‌ها به‌صراحت مدعی مالکیت خرمشهر شدند و در بسیاری از روزهای برگزاری جلسات، به نحوی وارد گفت‌وگو می‌شدند که موجب خشم نمایندگان ایران و خروج آن‌ها از جلسه شود. در روزهای برگزاری اجلاس - طی چهار سال - دولت عثمانی با تحریک ارادل و ابواب ارزنه‌الروم،

«فین‌کنشتاین» با ناپلئون و قراردادهای «مفصل» و «مجمل» با انگلیس، دیوانسالاران سنتی ایران دریافتند باید برای استفاده صحیح از ظرفیت دیپلماسی، با زبان بین‌المللی آن آشنا باشند. نخستین بار شخصیت‌هایی مانند قائم‌مقام فراهانی و عباس میرزا نایب‌السلطنه به این امر مهم توجه کردند و بعدها دولتمردان تیزهوشی مانند میرزاتقی‌خان امیرکبیر در سفر به روسیه و دیگر مناطق، با فنون گفت‌وگوهای دیپلماتیک آشنایی کامل یافتند. این روزها که دور جدیدی از گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا آغاز شده‌است، مرور برخی تجربه‌های ذی‌قیمت در تاریخ روابط دیپلماتیک ایران خالی از لطف نیست، به‌ویژه آنکه این تجربه‌ها توسط مردی وطن‌دوست و مدبر همچون امیرکبیر بدست آمده باشد. روایتی که در این گزارش می‌خوانید، گزارشی از نبرد دیپلماتیک چند ساله دیپلمات‌های ایرانی به ریاست امیرکبیر با عثمانی‌ها در شهر «ارزنه‌الروم» است؛ جایی که امروزه در خاک ترکیه قرار دارد.

اعضای هیئت اصلی مذاکره عبارت بودند از: «میرزااحمد وقایح‌نگار»، «میرزااحسین فراهانی»، «چراغعلی‌خان زنگنه» و «جان داوود». با نگاهی به ویژگی‌های هیئتی که امیرکبیر با خود به ارزنه‌الروم برده‌بود، دو ویژگی را می‌توان در آن‌ها تشخیص داد: وفاداری و تخصص

مقدمه یک نزاع طولانی

روابط میان ایران و عثمانی از ابتدای دوره صفویه، رابطه‌ای پر از تنش و درگیری بود. دو کشور بر سر نواحی مرزی اختلاف نظر فراوان داشتند و همین مسئله سبب بروز جنگ‌های پی‌درپی و خانمان‌سوز می‌شد. به همین دلیل، یکی از دغدغه‌های اصلی دولتمردان ایران و نیز عثمانی، رسیدن به توافقی پایدار بود که همزمان با حفظ حقوق خودی، موجب ایجاد امنیت طولانی مدت در مرزها شود. وجود چنین امنیت و صلح پایداری می‌توانست به دو کشور برای حرکت در مسیر اجرای دیگر نقشه‌های داخلی و خارجی کمک شایانی کند. ایران و عثمانی در دوره صفویه چند معاهده صلح امضا کردند.

مشهورترین آن‌ها قرارداد صلح «آماسیه» میان شاه طهماسب یکم و سلطان سلیمان یکم بود که صلی ۲۰ ساله را برای دو کشور به ارمغان آورد. با این حال، توسعه‌طلبی عثمانی‌ها موجب تجدید نزاع شد و در تمام دوره افشاریه و زندیه، این جنگ و جدال‌ها باقی‌ماند تا اینکه در دوره قاجار و با توجه به درگیری‌های مداوم ایران و روسیه تزاری، لزوم برقراری آرامش در مرزهای غربی بیش از گذشته احساس شد. نخستین بار و در شرایطی که نیروهای نظامی ایران در نبردی سخت موفق شده‌بودند نیروهای عثمانی را از مستملکات ایرانی عقب برانند، با پیشنهاد دولت‌های روس و انگلیس نشست برای انعقاد قرارداد صلح پایدار در شهر ارزنه‌الروم، جایی در شرق آناتولی برگزار شد؛ نشست کشدار، پرچالش با مجادلات جدی دیپلماتیک.